اثربخشی مداخله مبتنی بر مدل بوم‌شناختی در کاهش میل به طلاق و تعارض زناشویی[1]

کیومرث فرحبخش[2]، احمد خاکی[3]، دکتر عبدالله معتمدی[4]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱ _ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/٤/۵

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی مداخله مبتنی بر مدل بوم‌شناختی درکاهش میل به طلاق وتعارض زناشویی زوجین ارجاعی به شورای حل اختلاف و مراکز مداخله بهزیستی استان مرکزی انجام شد. **روش:** این پژوهش از نوع مطالعات شبه آزمایشی با گروه آزمایش و گواه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمام زوج‌های ارجاعی به شورای حل اختلاف و مراکز مداخله بهزیستی استان مرکزی تشکیل می‌دادند و نمونه آماری شامل ۳۰ زوج بود که به شیوه دردسترس انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه مساوی تقسیم شدند. از پرسشنامه‌های میل به طلاق (روزلت، جانسون و مارو، ۱۹۸۶) و تعارض زناشویی (ثنایی، ۱۳۷۹) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. در نهایت داده‌ها با استفاده از آزمون کوواریانس تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که نمره میل به طلاق و تعارض زناشویی زوج‌های گروه آزمایش در پس آزمون به طور معنی داری کمتر از گروه گواه شده بود ($p<۰/۰۵$). **نتیجه‌گیری:** با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت مداخله مبتنی بر مدل بوم‌شناختی بر کاهش میل به طلاق تعارض زناشویی زوج‌ها تاثیر معنی‌داری دارد.

واژه‌های کلیدی: بوم‌شناختی، میل به طلاق، تعارض زناشویی

---

۱. این مقاله برگرفته از بخشی از پایان نامه دکتری مشاوره با عنوان «تدوین مدل آموزش زوج درمانی بوم‌شناختی چند بعدی به مشاوران و اثربخشی آن بر کاهش میل به طلاق زوج‌های ارجاعی از دادگستری در استان مرکزی» می‌باشد.

۲. (نویسنده مسئول) دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

۳. دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی تهران. (Ahmadkhaki@yahoo.com)

٤. دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]

مقدمه

طلاق یکی از عوامل ایجادکننده اختلال و آشفتگی در زندگی انسان‌هاست. طلاق در افرادی که بخشی از این پدیده هستند، یک تجربه فردی شدید است. پیشینه تحقیقات در درجه اول به کسانی اشاره دارد که در اثر طلاق آسیب دیده اند و استرس نشان می‌دهند (سان و لی[1] ۲۰۰۹). از سوی دیگر تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که حداقل به یکی از همسران وارد می‌شود که ممکن است از طریق برآورده نشدن نیازها یا اهداف، شیوه‌های مقابله ای ضعیف، مدیریت حوادث زندگی، یا ناتوانی در انتقال احساس به همسر باشد (یانگ و لانگ[2] ۱۹۹۸؛ به نقل از رسی، هولتز ورث–مونرو و راد[3] ۲۰۱٦). رشد کمی و کیفی این پدیده در جامعه ایرانی، به یکی از مسایل اجتماعی جدی تبدیل شده، به طوری که امروزه دیگر واژه طلاق قبح گذشته را ندارد و افراد آن را به عنوان یک انتخاب فردی در نظر می‌گیرند. آمارهای نشان می‌دهند که طلاق در چند سال گذشته در حال افزایش است. این وضعیت نشانگر تغییرات عمده در ساختار نهاد خانواده می‌باشد (پروین، داوودی و محمدی، ۱۳۹۱).

نرخ رشد طلاق طی سال‌های اخیر سیر صعودی داشته است. بر اساس آمارهای بدست آمده از سازمان ثبت احوال کشور در ایران درسال ۱۳۷۹، ٦٤٦ هزار و ٤۹۸ نفر با هم ازدواج کرده اند و در هر همین سال ۵۳ هزار و ۷٦۷ نفر از هم جدا شده اند. به عبارت دیگر از هر ۱۰۰ ازدواج ۸/۳ فقره از آن‌ها به طلاق منجر شده است. این در حالی است که در سال ۱۳۸٤ از هر ۱۰۰ ازدواج تقریبا ۱۰/۷ به طلاق منجر شده است و این رقم در سال ۱۳۸۸ به ۱٤ فقره در هر ۱۰۰ ازدواج افزایش یافته است. این آمار حاکی از افزایش نرخ طلاق دارد. درصد تغییرات ازدواج در سال ۹۰ نسبت به سال ۸۱ حدود ۱۵درصد رشد مثبت داشته است؛ درحالیکه در همین زمان درصد تغییرات طلاق

---

[1] Sun,Y. & Li,Y.

[2] Young, E. & Long, L.

[3] Rossi, F. Holtzworth-Munroe, A. & Rudd, B.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]

بیش از ٦ برابر یعنی حدود ۹۳درصد رشد داشته است. نسبت طلاق در سال ۸۱ برابر ۱۰/٤ درصد بوده است و در سال ۹۰ به ۱۷/۵درصد رسیده است.در سال ۹۲ هم در کل کشور ۱۵۵۳٦۹ مورد طلاق به ثبت رسیده است که از این تعداد ۳۵۰۷ مورد به استان مرکزی مربوط می‌شود (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۳).

با توجه به این که عوامل زیادی در افزایش آمار طلاق (مانند نبود آگاهی کافی در رابطه ازدواج، نبود شناخت ویژگی های زن و مرد، عدم تناسب و انتخاب درست همسر و سایر عوامل دیگر) دخیل هستند ولی سوال اصلی اینجاست که با اینکه شیوه‌های مداخله مختلفی برای بهبود وضعیت زندگی زوج‌ها به کار می‌رود، چرا هنوز آمار طلاق رو به افزایش است و مخاطبین این دوره‌ها بعد از آموزش و بعد از مدت طولانی دوباره به حالت‌های روانشناختی ماقبل از این آموزش‌ها باز می‌گردند؟ یکی از دلایل این مسئله می‌تواند عدم توجه این رویکردها و برنامه‌های مداخله ای به وضعیت محیط فرهنگی و ارزشی زوج‌ها باشد. از طرفی به نظر می‌رسد نظریه‌های مشاوره فردی و نظریه‌های خانواده درمانی در کمک به مراجعان به اکولوژی و محیط زیست طبیعی یا در معنای وسیع تر به کلیه محیط‌های که فرد را احاطه کرده است و همچنین به تعامل انسان با محیط کمتر توجه و علاقه مندی نشان داده اند. رویکرد بوم‌شناختی[1]از جمله رویکردهای است که اخیرا در حیطه مشاوره و روان درمانی مطرح شده است. این رویکرد به تفاوت‌های افراد توجه کرده و آن‌ها را به صورت سیستمی در نظام‌های مختلفی که در آن زندگی می‌کنند، مورد بررسی قرار می‌دهد. مدل‌های بوم‌شناختی به این خاطر مهم هستند که فرض می‌کنند رابطه بین مراجع و مشاور نمی‌تواند جدای از سیستم‌های متنوعی که هر دوی آن‌ها در آن زندگی می‌کنند، درک شود. همانگونه که مشاور تحت تاثیر این سیستم‌ها بوده است، مراجع نیز به نوبه ی خود تحت تاثیر سیستم‌های بوم‌شناختی خود بوده است (شاپ و اکانل[2] ۲۰۰۵). واژه اکوسیستم[3]اشاره

---

[1] ecological model.

[2] Shupe. J, & O Connell, P.

[3] Ecosystem.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]

به مجموعه تعاملاتی دارد که در زندگی یک فرد و در درجات مختلف (از ویژگی‌های بیولوژیک گرفته تا دامنه وسیع تر شامل بافت‌های فرهنگی اجتماعی) بر روی تعاملات انسانی اثر گذار هستند، را شامل می‌شود (سالیس، اون و فیشر[1] ۲۰۱۵؛ شکرمی، داورنیا و زهراکار، ۱۳۹۲). بروفن برنر[2]چهار سیستم را که بر روی رفتار اثر می‌گذارند مشخص کرده است.این سیستم‌ها عبارتند از: میکروسیستم[3] که شامل روابط بین فردی در یک محیط است مانند خانه و مدرسه، میان سیستم[4]که شامل ارتباط دو یا چند خرده سیستم با هم می‌شود، فراسیستم[5]شامل ارتباط بین خرده سیستم‌های که به صورت غیر مستقیم با فرد در ارتباط هستند و ماکروسیستم[6]که شامل عناصر ایدئولوژیکی یک جامعه یا محیط می‌شود مانند باورها و ارزش‌ها می‌شوند (نویل و موبلی[7] ۲۰۰۱). در این رویکرد رشد فرد نه محصول خود او و نه در اثر شرایط محیطی او حاصل می‌شود، بلکه افراد و محیط با یکدیگر تعامل همیشگی و پویا دارند و رفتار افراد در نتیجه عوامل چندگانه در سطح فردی، میان فردی، در سطح وسیع تر اجتماعی و فرهنگی است. در رویکرد بوم‌شناختی تاکید بر مراجع است و اهداف و روش‌های مشاوره در پی شکل دادن به تعاملات شخص با محیط و در جهت رشد اوست. برای تعاملات بهینه شخص با محیط از شیوه‌های متعددی استفاده می‌شود که درمورد هر یک از مراجعین متفاوت است (مک ماهون، ماسون، دالوگا-گیونتر و رویز[8] ۲۰۱٤؛ آرین،

[1] Sallis, J. Owen, N. & Fisher, E.

[2] Bronfen Brenner.

[3] Microsystem.

[4] Mesosystem.

[5] Exosystem.

[6] Microsystem.

[7] Neville, H. & Mobley, M.

[8] McMahon, H. Mason, E. Daluga-Guenther, N. & Ruiz, A.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]

۱۳۸۷). کووک، هپنر و او برین[1](۲۰۱۲) معتقد است در این رویکرد به دنبال پاسخ گویی به این سوال می‌باشیم که مشکل در کجای اکولوژی(بوم) مراجع قرارگرفته است؟ و چه معنی برای مراجع دارد؟

در رابطه با استفاده از رویکرد بوم‌شناختی در مشاوره کرمی(۱۳۸٦) در مطالعه خود نشان داد که آموزش راهبردهای مدیریت نقش‌های کار- خانواده با استفاده از رویکرد بوم‌شناختی موجب افزایش رضایت زناشویی زنان شاغل در خانواده‌های دو شغلی می‌شود. همچنین عابدینی و آرین(۱۳۸۹) در پژوهشی که به بررسی اثربخشی آموزش مدیریت نقش‌های کار -خانواده مبتنی بر رویکرد بوم‌شناختی بر افزایش خودکارآمدی معلمان زن پرداختند به این نتیجه رسیدند که آموزش‌های مبتنی بر رویکرد بوم‌شناختی بر افزایش خودکارآمدی معلمان زن موثر است. در رویکرد بوم‌شناختی چندبعدی مشخص شده است که چطور مکان‌ها و عملکردهای چندگانه می‌توانند به طور بالقوه کار مشاور را شکل دهند. مشاوران می‌توانند با روش‌های مستقیم (فردی و گروهی) یا غیر مستقیم (مشورت، برنامه ریزی، طراحی) با اهداف درمانی، رشدی، و یا پیشگیری در شخص یا محیط به عنوان اهداف تغییر مداخله کنند. این رویکرد همچنین بر اهیمت تفسیر شخص از وقایع زندگی به عنوان فرایندهای میانجی تاکید می‌کند که رفتار شخص و محیط را در یک تعامل پویا شکل می‌دهد. با توجه به اهمیت رویکرد بوم‌شناختی چندبعدی در مشاوره و از آنجایی که که کمتر این روش را در مشاوره طلاق به کار برده اند، بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا زوج‌درمانی بر اساس الگوی بوم‌شناختی بر روی کاهش میل به طلاق و تعارض زناشویی زوج‌های ارجاعی به شورای حل اختلاف و مراکز بهزیستی موثر است؟

بر اساس سوال فوق دو فرضیه برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است که به شرح ذیل است.

۱_ زوج‌درمانی بر اساس مدل بوم شاختی بر کاهش طلاق در زوج‌های ارجاعی از

[1] Cook, E. Heppner, M. & O'Brien, K.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]

شورای حل اختلاف و مراکز بهزیستی در استان مرکزی موثر است.

۲_ زوج‌درمانی بر اساس مدل بوم شناختی بر حفظ و ثبات خانواده (کاهش تعارضات) در زوج‌های ارجاعی از شورای حل اختلاف و مراکز بهزیستی در استان مرکزی موثر است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات نیمه آزمایشی با گروه آزمایش و گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوج‌های مراجعه کننده به مراکز مشاوره بهزیستی استان مرکزی می‌شد. از بین این زوج‌ها ۳۰ زوج به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی تعداد ۱۵ زوج در گروه آزمایش و تعداد ۱۵ زوج در گروه گواه جایگزین شدند. گروه گواه هیچ مداخله ای را دریافت نکردند. جدول زیر مراحل اجرای روش زوج‌درمانی را به صورت خلاصه نشان می‌دهد.

جدول ۱. مداخله مبتنی بر مدل بوم شناختی

مرحله	عنوان	توضیحات
مرحلهٔ اول	ارزیابی و رسیدن به تعریف مشترک	اولین مرحله درمان به شناسایی تاریخچهٔ زوج، الگوهای تعاملی، مسائل بهداشت روان، احتمال خشونت و سوءمصرف مواد و تعارضات خانوادگی اختصاص یافته است. در واقع با استفاده از ارزیابی تعیین کردیم که آیا این زوج برای مشاورهٔ زوجی مناسب هستند یا نه.
مرحله دوم	هدف گزینی	در این مرحله هر یک از اعضای زوج نتیجه مورد انتظار درمان را شناسایی می‌کنند. به عبارت دیگر از آن‌ها درخواست می‌شود تا تصمیم بگیرند که اگر قرار باشد مشکل بعد از مدتی وجود نداشته باشد چه چیزی تغییر خواهد کرد و در واقع از آن‌ها خواسته می‌شود که زندگی را بدون مشکل تصور کنند. هدف این مرحله، در واقع این که زوج آشفته را در یک زمینه کمک کننده متمرکز می‌کند، این است که مشکل را به هدف تبدیل می‌کند.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]

مرحلهٔ سوم	طراحی و اجرای مداخلات	در مراحل ۱ و ۲، زوج فرصتی برای آشکارسازی شکایات داشتند. در این مراحل، از طریق بررسی و شناسایی ویژگی‌های مثبت هر یک از همسران، و این که چگونه این ویژگی‌ها در موقعیت‌های مشابه گذشته کمک کننده بوده اند، زن و شوهر قادر می‌شوند تا یکدیگر را و همچنین موقعیت را به طور مثبت تری در نظر بگیرند. در مدل بوم‌شناختی چندبعدی، اجازه استفاده از دامنهٔ وسیعی از مداخلات، که توسط درمانگر طراحی شده و توسط مراجعان مورد قبول واقع شده است را می‌دهد. در اینجا سه فن ویژه آموزش ارتباط[1]، میانجی گری طلاق و درمان مشکلات جنسی که با توجه به فرهنگ ایرانی اسلامی و «بوم» جامعه مورد پژوهش طراحی شده است معرفی می‌گردد: زوج‌ها می‌خواهند بتوانند بر سر مراقبت از فرزند حاصل ازدواج قبلی با هم گفتگو کنند (رفتاری) و در پایان احساس خوبی نسبت به روابشان داشته باشند (عاطفی).
مرحلهٔ چهارم	تداوم بخشی	در این مرحله، درمانگر از زوج می‌خواهد تا برنامهٔ تداوم بخشی روابطشان را که چگونگی کنار آمدن با موانع مورد انتظار را نشان می‌دهد، ترسیم کنند. بخشی از این برنامه می‌تواند شامل ملاقات‌های پیگیرانه با درمانگر، شرکت در فعالیت‌های استحکام بخشی ازدواج و یا برنامه ریزی راه‌های گریز باشد. ب
مرحلهٔ پنجم	اعتباربخشی	در این مرحله، ممکن است زوج، مشکلاتی که به سبب آن به مشاوره روی آورده اند را به طور کامل حل نکرده باشند، اما به مشکلات ضربه وارد کرده اند و اکنون احساس بهتری داشته و امیدوارتر هستند. در این مرحله درمانگر از آن‌ها می‌خواهد تا اهداف تعیین شده در مرحلهٔ دوم را با روابط کنونی خود مقایسه کنند. این برنامه می تواند شامل دیدارهای دوره‌ای با درمانگر در فواصل زمانی سه ماهه و شش ماهه باشد.

پرسشنامه میل به طلاق: این پرسشنامه ۲۸ سؤالی توسط روزلت، جانسون و مارو

[1] communication training.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]

(۱۹۸٦) طراحی شده است و دارای ٤ بعد می‌باشد که هر بعد ۷ سوال را در برمی گیرد. این چهار بعد عبارتند از خارج شدن، ابراز، وفاداری و مسامحه. روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸٦) ضریب آلفای این ابعاد را به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۷٦، ۰/٦۳ و ۰/۸٦ گزارش کردند (روزولت و بونک، ۱۹۹۳). روایی پرسشنامه به صورت بررسی محتوایی توسط پنج متخصصین توسط یوسفی و کیانی (۱۳۹۱)، داوودی و همکاران(۱۳۹۰)، مجددا مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. داوودی و همکاران (۱۳۹۰) پایایی هر یک از خرده مقیاس‌های خارج شدن، ابراز، وفاداری و مسامحه را به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۷۲، ۰/۸٦ و ۰/۹ بدست آوردند.

پرسشنامه تعارض زناشویی: برای سنجش تعارض زناشویی در این پژوهش از پرسشنامه ثنایی (۱۳۷۹) استفاده شد. این پرسشنامه هشت بعد از تعارضات را می‌سنجد که عبارت اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطهٔ جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطهٔ فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطهٔ خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه در یک گروه ۲۷۰ نفری ۰/۹٦ و برای ۸ خرده مقیاس آن به این ترتیب بدست آمد: کاهش همکاری ۰/۸۱، کاهش رابطهٔ جنسی ۰/٦۱، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۰، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۳۳، افزایش رابطهٔ فردی با خویشاوندان خود ۰/۸٦، کاهش رابطهٔ خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۹. جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۱ و کاهش ارتباط مؤثر۰/٦۹. در مرحلهٔ تحلیل محتوای آزمون، پس از اجرای مقدماتی و محاسبهٔ همبستگی هر سؤال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، به دلیل همبستگی مناسبِ سؤالات، هیچ سؤالی حذف نشد (ثنایی، ۱۳۷۹). بخشی پور و همکاران (۱۳۹۱) آلفای کرونباخ را برای کل پرسشنامه ۰/۹۰ گزارش کردند.

یافته ها

میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۲ به تفکیک گروه

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]

آزمایش و گواه آورده شده است

جدول شماره ۲. آمار توصیفی گروه‌های آزمایش و گواه

متغیر	گروه	تعداد	پیش آزمون		پس آزمون	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نمره کل تعارض زناشویی زوج‌ها	آزمایش	۱۵ زوج	۱۳۱/٦۸	۸/۷۱	۱۱۲/٦٤	۷/۷۸
	گواه	۱۵ زوج	۱۳۱/۰۹	۸/۸٤	۱۳۱/۷۵	۹/۲۷
میل به طلاق	آزمایش	۱۵ زوج	٦۷/۰۸	۱۰/۳۳	۵۹/۹۱	۹/۹۲
	گواه	۱۵ زوج	٦٦/٦۲	۹/۷۵	٦۷/۰۸	۸/۵٦

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین نمرات میل به طلاق و تعارض زناشویی در پیش آزمون در گروه‌های آزمایش و گواه تفاوت چندانی باهم ندارند، اما در پس آزمون نمرات دو گروه با یکدیگر متفاوت شده اند. به منظور بررسی معنی داری این تفاوت و آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد. قبل از انجام تحلیل‌های استنباطی، پیش فرض‌های تحلیل کوواریانس شامل نرمال بودن توزیع نمرات، همسانی واریانس‌های دوگروه و همگنی شیب رگرسیون مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس

متغیر	منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	مجذور اتا
تعارض زناشویی	گروه	۳۱۵/۷۵	۱	۳۱۵/۷۵	٤۳/۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۵٤
میل به طلاق	گروه	۱٤٦/۵۹	۱	۱٤٦/۵۹	۲۸/۹۰	۰/۰۰۰۱	۰/٤۱

جدول ۲ نتایج آزمون کوواریانس را نشان می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌شود مقدار F هم برای تعارض زناشویی و هم برای میل به طلاق معنی دار است ($p<۰/۰۱$).

[Downloaded from journal.iranconseling.ir on 2026-09-19]

این یافته نشان می‌دهد که بین گروه گواه و آزمایش در میانگین میزان میل بـه طـلاق و تعارضات زناشویی پس از اجرای زوج‌درمانی به شیوه بوم‌شناختی تفـاوت معنـی داری وجود دارد و این رویکرد درمانی منجر به کاهش این دو متغیر در گروه آزمـایش شـده است. اندازه اثر متغیر گروه در میل به طلاق ۰/٤۱ و در تعارض زناشویی ۰/٥٤ بود کـه نشان می‌دهد ٤۱ درصد از کاهش میل به طلاق و ٥٤ درصد از کاهش تعارض زناشویی مربوط به تأثیر متغیر مستقل است.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش اثربخشی زوج‌درمانی بر اساس الگوی بومی بر کاهش میل به طلاق و تعارضات زناشویی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که این برنامه مداخله‌ای در کاهش نیل به طلاق و تعارض زناشـویی مـوثر بـوده اسـت. در تبیـین ایـن یافتـه‌ها می‌توان به رویکرد تعامل گرایی نمادین[1](SI) اشاره کرد. این رویکرد معتقد است شـیوه ای که یک فرد چیزی را تعریف و یا ادراک می‌کند رفتارهای او را در رابطه با آن چیـز هدایت می‌کند (بلومر، ۱۹٦۹). تعامل گرایی نمادین معقد است که تفسیر ذهنی یک فرد از یک شیء، موقعیت یا مفهوم، نقش مهم و میانجی در ارتباط با مواجهه آن فرد با یک محرک (شیء، موقعیت و غیره) و عکس العمل وی با آن ایفا می‌کند. در گسـترش ایـن مفروضه به ازدواج می‌توان گفت، مفهوم سازی افراد از ازدواج (یا معنای آن برای آنهـا) می‌بایستی تأثیراتی را روی رفتارهای زناشـویی و پیامـدهای موفقیـت زناشـویی داشـته باشد. این مفهوم سازی تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ و محیط بوم شناختی افراد قرار دارد. بنابراین توجه به محیط بوم شناختی افراد و تمرکز روی درمان‌های مبتنی بـر یـک مدل بوم شناختی می‌تواند در اثربخشی بهتر درمان‌های زناشویی کمک کند.

اجتماع و فرهنگی که در آن یک فرد رشـد و تکامـل پیـدا می‌کنـد یـک منبـع مهـم اطلاعـات دربـاره نقش‌هـای فـردی وی تلقـی می‌شـود (اسـتریکر، ۱۹۸۰). بنـابراین

[1] symbolic interactionism.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]

هنجارهای اجتماعی در شکل دهی معنایی که افراد به نقش هایشان در ازدواج نسبت می‌دهند تأثیر می‌گذارد. در نتیجه انتظار می‌رود بعضی از اشتراکات معنایی در مورد ازدواج در افراد یک جامعه وجود داشته باشد که انعکاسی از هنجارها و آداب و رسوم کنونی آن جامعه هستند (هال، ۲۰۰۶). در رویکرد بوم شناختی به ارزش‌های فرهنگی و محیطی فرد توجه خاصی می‌شود. ارزش‌ها نقش زیادی در رفتارها و نگرش‌های زوج‌ها دارند، بنابراین هنگام انجام روش‌های درمانی در هر فرهنگی باید به ارزش‌های فرد و آن فرهنگ توجه کرد. برنامه‌های مشاوره در غرب، مانند دیگر ساختارهای انسانی، از زمینه‌های معرفت شناختی برگرفته شده‌اند که سرمنشأ آن ارزشهای غربی است (کوهن، ۲۰۰۵)، بنابراین نمی تواند در کار با زوج‌های ایرانی کاملاً مؤثر واقع شود.

براون (۱۹۹۶) اظهار می‌دارد که فرهنگ و جنسیت دو عامل مهمی هستند که بر رشد ارزش‌های افراد، خصوصاً ارزش‌های خانوادگی، تأثیر گذارند، با این وجود دین و مذهب نیز از عوامل دیگری هستند که رشد ارزش‌های افراد را در افراد تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. اگر چه تأثیر جنسیت و قومیت (فینگولد، ۱۹۹٤؛ آتکینسون، ۱۹۸۵) بر جنبه‌های مختلف شغلی افراد، اساس پژوهشی قابل توجهی دارند، اما مذهب و دین یک «فرهنگی» است که فقدان اساس پژوهشی قابل توجهی در این زمینه وجود دارد (دافی و لنت، ۲۰۰۸) و رویکردهای مبتنی بر مدل بوم شناختی که به متغیرهای محیطی مانند دین و فرهنگ توجه می‌کنند می‌توانند اثربخشی بیشتری نسبت به رویکردهای سنتی داشته باشند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد مبتنی بر مدل بوم شناختی می‌تواند بر کاهش میل به طلاق و تعارض زناشویی زوج‌ها مؤثر باشد. بنابراین می‌توان از این رویکرد در مراکز اورژانس اجتماعی بهزیستی یا سایر مراکز مشابه که با زوج‌هایی که دادخواست طلاق داده اند سروکار دارند، استفاده کرد. با این وجود، به دلیل اینکه این مدل بوم شناختی برگرفته از یک کار کیفی بود که توسط محققان انجام شد، پیشنهاد می‌شود اثربخشی آن در مطالعه‌های دیگر نیز مورد بررسی قرار بگیرد.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]

پیشنهاد می‌شود با توجه به الگوهای زوج درمانی مذهبی، مواردی به مدل بوم شناختی اضافه شود تا توجه به متغیرهای دینی در این مدل‌ها با توجه به فرهنگ مذهبی جامعه بیشتر شود.

منابع

- آرین، خ. (۱۳۸۷). کاربرد رویکرد بوم‌شناختی در مشاوره با زنان شاغل در خانواده‌های دو شغلی. مجله تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۷، شماره ۲۸، ۳۸-۴۹.
- اجاقی، م. (۱۳۹۲). *اثربخشی آموزش مدارا با رویکرد اسلامی بر کاهش میل به طلاق و بهبود رابطه‌ی صمیمانه‌ی زنان متقاضی طلاق شهرستان خدابنده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- بخشی پور، ب.، اسدی، م.، کیانی، ا.، شیرعلی پور، ب.، احمددوست، ح. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*. ۱۳(۲)، ۱۸-۱۰.
- بهاری، ف.، فاتحی زاده، م.، احمدی، س.، مولوی، ح.، بهرامی، ف. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی همسران بر کاهش تعارض‌های زناشویی زوج‌های متعارض متقاضی طلاق. *مجله پژوهش‌های روان شناسی بالینی و مشاوره*. ۱(۱)، ۵۹-۷۰.
- پروین، س.، داوودی، م.، محمدی، ف. (۱۳۹۱). عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. *مطالعات راهبردی زنان*. ۱٤(٥٦)، ۱۱۹-۱۵۳.
- داوودی، ز.، اعتمادی، ع.، بهرامی، ف. (۱۳۹۰). رویکرد کوتاه مدت راه‌حل محور برای کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد به طلاق. *فصلنامه علمی _ پژوهشی رفاه اجتماعی*. ۱۱(٤۳)، ۱۲۱-۱۳٤.
- حسینی، م. (۱۳۹۰). نظریه‌ها و فنون خانواده درمانی. تهران، انتشارات رشد.
- عابدینی، ف.، آرین، خ. (۱۳۸۹). اثر بخشی آموزش مدیریت نقش‌های کار- خانواده مبتنی بر رویکرد بوم‌شناختی بر افزایش خود کارآمدی معلمان زن. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*. ۲(۵)، ٦۹-٥٦.
- علیمردانی، ص.، فاتحی زاده، م.، جلالی، م.، باغبان، ا. (۱۳۸۹). مقایسه فرایند داوری خانوادگی و مشاوره در کاهش میل به طلاق زوج‌های متقاضی طلاق شهر اصفهان. *مجله‌های تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*. ۹(۳۳)، ٦۷-۸۵.
- کرمی، م. (۱۳۸٦). *اثربخشی آموزش راهبردهای مدیریت نقش‌های کار خانواده بر افزایش رضایت شغلی و رضایت زناشویی زنان شاغل در خانواده‌های دو شغلی بر اساس رویکرد زیست بوم‌شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- امینی، ز.، قهاری، ش.، ترخان، م.، کریمی، ت.،(۱۳۹۰). آموزش حل اختلافات بر کاهش تعارضات زوج‌ها در معرض طلاق. *فصلنامه تازه‌های روان درمانی*، سال ۱۷، شماره ٦۱ و ٦۲، ٦۷-۸۰.
- یوسفی، ن.، کیانی، م.، (۱۳۹۱). تاثیر گشتالت درمانگری و معنادرمانگری برکاهش میل به طلاق مردان متقاضی مشاوره. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده. ویژه نامه خانواده و طلاق. شماره ۱. ٤٥-٥۷.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]

- یوسفی، ن. (۱۳۹۰) مقایسه اثربخشی خانواده‌درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی و نظام عاطفی بوون بر میل به طلاق در مراجعان متقاضی متارکه شهر سقز. *مجله روانشناسی بالینی*. سال سوم. شماره۳. صص ۵۳-٦٤.
- شکرمی، م.، داورنیا، ر.،زهرا کار، ک.(۱۳۹۲) اثربخشی درمان کوتاه مدت راه‌حل محور را بر کاهش استرس زناشویی زنان. فصلنامه دانشکده علوم پزشکی ایلام. ۲۲(٤). ۲٦-۱۸.

- Atkinson, D. R. (1985). A meta-review of research on cross-cultural counseling and psychotherapy. Journal of Multicultural Counseling & Development, 13, 138-153.
- Berger, R., & Hannah, M. T. (2013). *Preventive approaches in couple's therapy*: Routledge.
- Blumer, H. (1969). Symbolic interactionism: Perspective and method. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Brown, D. (1996). Values in Life Role choices and Outcomes: A Conceptual Model. The Career Development Quarterly, 44, 211-223.
- Bulanda, J. R., & Brown, S. L. (2007). Race-ethnic differences in marital quality and divorce. *Social Science Research, 36*(3), 945-967.
- Byrne, M., Carr, A., & Clark, M. (2004). The efficacy of behavioral couple's therapy and emotionally focused therapy for couple distress. *Contemporary Family Therapy, 26*(4), 361-387.
- Cook, E. P., Heppner, M. J., & O'Brien, K. M. (2002). Career development of women of color and White women: Assumptions, conceptualization, and interventions from an ecological perspective. *The Career Development Quarterly, 50*(4), 291-305.
- Duffy, R. D., & Lent, R. W. (2008). Relation of religious support to career decision self-efficacy in college students. Journal of Career Assessment, 16, 360–369.
- Feingold, A. (1994). Gender differences in personality: A meta-analysis. Psychological Bulletin, 116, 429-456.
- Hall, S.S. (2006). Marital meaning: Exploring young adults' belief systems about marriage. Journal of Family Issues, 27 (10), 1437-1458.
- Kohn, C. S. (2005). Extreme Relationship Standards in the Context of Discordant and Nondiscordant Couples. Cognitive and Behavioral Practice, 12, 319-323.
- McMahon, H. G., Mason, E., Daluga-Guenther, N., & Ruiz, A. (2014). An ecological model of professional school counseling. *Journal of Counseling & Development, 92*(4), 459-471.
- Miller, P. J., Caughlin, J. P., & Huston, T. L. (2003). Trait expressiveness and marital satisfaction: The role of idealization processes. *Journal of Marriage and Family, 65*(4), 978-995.
- Neville, H. A., & Mobley, M. (2001). Social identities in contexts: An ecological model of multicultural counseling psychology processes. *The Counseling Psychologist, 29*(4), 471-486.
- Rossi, F. S., Holtzworth-Munroe, A., & Rudd, B. N. (2016). Intimate partner violence and child custody. *Parenting plan evaluations: applied research for the family court*, 346-374.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]

- Sallis, J. F., Owen, N., & Fisher, E. (2015). Ecological models of health behavior. *Health behavior: theory, research, and practice. 5th ed. San Francisco: Jossey-Bass*, 43-64.
- Shupe. J, M & O Connell. P, W (2005). An Ecological Model for Counselor Pedagogy Incorporating Service Learning. Journal of college teaching and learning, VOL 2, NO, 8.
- Stryker, S. (1980). Symbolic interactionism: A social structural version. Redwood City, CA: Benjamin-Cummings.
- Sun, Y., & Li, Y. (2009). Parental divorce, sib ship size, family resources, and children's academic performance. *Social Science Research, 38*(3), 622-634.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-09-19]